

## در آثار عبدالکریم سمعانی (م ۵۶۲)

● رسول جعفریان

اصبهان ابن منده و ابن مردویه و تاریخ حمزه اصفهانی (برای نمونه التجهیر ۳۱۳/۳) برجای مانده، هر آنچه سمعانی از آنها آورده بسیار معتتم است.

در کنار اطلاعات نسبتاً جالبی که الانساب دربارهٔ اصفهان دارد، گاه برخی از روستاها و شهرها را در شمار توابع اصفهان آورده که فاصلهٔ آنها از اصفهان دور است. دلیل آن می‌تواند اهمیت اصفهان در قرن پنجم و ششم باشد. سمعانی خود ذیل مدخل «اصبهانی»، اصفهان را «شهر بلده بالجبال» وصف کرده است. برای نمونه از قول ابن مردویه دربارهٔ «آبه» نوشته است: «هی قرية من قری اصبهان»، البته بعد افزوده که در منابع دیگر آبه از «ساوه» دانسته شده است. با این حال باز از قول عالمی آبی آورده که «کان یقول: ولدت بأبه قرية من قری اصبهان» (انساب ۵۹/۱؛ طبقات المحدثین ۴۱۴/۱). در مورد دیگری «ابرقوه» به عنوان شهرکی (بلیده) در نواحی اصفهان یاد شده است (انساب ۷۲/۱). شگفت تر آن که دربارهٔ قزوین نوشته است: «و هی احدی المدائن المعروفة بأصبهان» (انساب ۴۹۳/۴). قاعدتاً باید اشتباهی رخ داده باشد یا مقصود روستایی شبیه به این نام باشد.

می‌دانیم که یاقوت در معجم البلدان بسیاری از آگاهی‌های جغرافیایی سمعانی را اقتباس کرده و آنها را در کتاب خویش آورده است. گاه تطبیق این موارد می‌تواند در شناخت درست کلمه کمک کند. طبعاً قصد ما در اینجا، بررسی دقیق این نسبت‌ها و موقعیت آنها و تغییر اسامی و تحول در آنها نیست؛ تنها مروری است بر این دو کتاب سمعانی و استخراج نام روستاها و محلات مزبور.

محصول این مرور آن است که نام بیش از یکصد روستا و محله اصفهان را از دو کتاب الانساب (بیروت، تحقیق البارودی، دارالکتب العلمیه) و التجهیر (چاپ بغداد) می‌آوریم. گاه برای تکمیل بحث ارجاعی هم به طبقات المحدثین باصبهان ابوالشیخ (چاپ مؤسسه الرساله) داریم.

باز هم یادآوری می‌کنیم که آنچه در اینجا آمده، تنها همان نکاتی است که سمعانی آورده و بس. طبعاً لازم است دربارهٔ موقعیت هر یک از این روستاها و محلات، به تفصیل از زوایای گوناگون بحث شود.

نام روستاها و محلات اصفهان

۱- ازاهدان: قریه‌ای از قرای اصفهان که قتیبه بن مهران ازادانی مقریء منسوب به آن است (انساب ۶۳/۱؛ طبقات المحدثین ۴۰۵/۱).

۲- ابهر: این محل، به احتمال نزدیک به یقین محله «ابره» فعلی است. سمعانی در الانساب، در مدخل



اصفهان قرن ششم، به دلیل مرکزیت آن برای چند سلطان سلجوقی از آبادترین شهرهای ایران به شمار می‌رفت. موقعیت و آبادانی شهر مزبور، در قرون بعد، به دلایل مختلف، روبه زوال و انحطاط گذاشت. آثار بزرگی که از قرن ششم در گوشه و کنار شهر، به ویژه در حاشیهٔ زاینده‌رود، در منطقهٔ برآن جنوبی و شمالی، برجای مانده، مانند مسجد برسیان، مسجد و منارهٔ گار، منار زیار، مسجد دشتی و... به خوبی شکوه و عظمت این شهر را در آن دوره نمودار می‌کند.

ابوسعید عبدالکریم بن محمد بن منصور تیمی سمعانی (م ۵۶۲) از عالمان برجستهٔ قرن ششم هجری است. پدر و جد وی و نیز بسیاری از افراد خاندان او، از عالمان برجستهٔ مرو و نیشابور بوده‌اند. وی شرحی از احوال آنها را در ذیل مدخل «سمعان» در الانساب آورده است.

سمعانی در سفرهای علمی خود، به شهرهای فراوانی وارد شده و مدتی را هم در اصفهان گذرانده است. کار وی شنیدن حدیث از مشایخ و بزرگان شهر و ضبط اسامی آنها بوده و در عین حال، به فراهم آوردن آگاهی‌های رجالی دربارهٔ عالمان آن شهر نیز پرداخته است. از آنجا که در آن روزگار، عالمان شهرها، شهرت به محل و شهر و منطقه و روستای خود داشته‌اند، جمع‌آوری اطلاعات رجالی، به جمع‌آوری اطلاعات جغرافیایی نیز منجر می‌شده است. به همین دلیل، آگاهی‌های او دربارهٔ این شهر و روستاهای آن، در دو کتاب رجالی او به نام‌های الانساب و التجهیر بسیار زیاد و جالب توجه هستند. به همین قیاس، آگاهی‌های او از نیشابور، بلخ، نسف، بخارا، مرو و سایر شهرهای ماوراءالنهر نیز فراوان و گسترده است؛ به ویژه که او اهل همان نواحی بوده و عالمان آن مناطق را می‌شناخته است. افزون بر آن، وی بسیاری از تاریخ‌هایی که برای این شهرها نوشته شده بوده، در اختیار داشته و از آنها بهره برده است.

آنچه در این گفتار کوتاه مورد توجه ماست، اسامی روستاها و محلات شهر اصفهان در آثار سمعانی است. سمعانی جز آن که در اصفهان بوده و مشایخ شناخته شدهٔ معاصر را برشمرده، کتاب‌های چنددی در زمینهٔ تاریخ اصفهان در اختیار داشته است. از آن جمله تاریخ اصبهان حمزه اصفهانی را که از آن با عنوان تاریخ الکبیر لاصبهان یاد کرده است (انساب، ذیل مورد اصبهانی). همچنین کتاب تاریخ اصبهان ابن مردویه را که ارجاعات فراوانی به آن دارد. نیز سه کتاب تاریخ اصفهان از ابن منده، ابوالشیخ و ابونعیم اصبهانی را که هر یک شمار زیادی از عالمان این شهر را معرفی کرده‌اند. دو کتاب اخیر به روزگار ما رسیده است. از آنجا که تاریخ

◀ سمعانی در سفرهای علمی خود، به شهرهای فراوانی وارد شده و مدتی را هم در اصفهان گذرانده است. کار وی شنیدن حدیث از مشایخ و بزرگان شهر و ضبط اسامی آنها بوده و در عین حال، به فراهم آوردن آگاهی‌های رجالی دربارهٔ عالمان آن شهر نیز پرداخته است.

«ابهري»، ابتدا از ابهر زنجان و سپس از ابهر اصفهان و عالمان منسوب به آن یاد کرده است. ابوزید الابهري اصفهانی منسوب به این ناحیه است (التحبير ۱/۳۲۶). در برخی موارد نیز تنها نسبت ابهري آمده است. (التحبير ۱/۱۱۵، ۲۰۹، ۲۳۱). در جای دیگر (التحبير ۱/۲۹۷) از ابوالمحاسن ابهري رازی یاد شده است. خاندان معروفی از ابهريها محدث بوده‌اند. از آن جمله ابو عبدالله عبدالجبار بن حسين الابهري «من اهل اصبهان» که درباره‌اش گفته شده: من اولاد المحدثين (التحبير ۱/۴۲۰). وی درباره ابوعلى احمد بن عثمان ابهري تصريح کرده که «من ابهر اصبهان». پس از آن شمار دیگری از محدثان این قریه را یاد کرده است (انساب ۷۸/۱ - ۷۹).

۳- ارزنان: قریه‌ای از قرای اصفهان. سمعانی از ابوسعید احمد بن محمد اصفهانی نقل کرده است که: «ارزنان قریه علی باب بلدنا». عالمان زیادی منسوب به این قریه بوده‌اند. از جمله ابوجعفر محمد بن عبدالرحمان ارزنانی (م ۳۱۷) که در جستجوی حدیث به شام و مصر و نیشابور و هرات رفته و درباره او گفته شده است: زاهد تر، با تقواتر، حافظ تر و متقن تر از او به هرات نیامده است (انساب ۱۱۱/۱).

۴- اسفیدبان: قریه‌ای از قرای اصفهان. عبدالله بن ولید اسفیدبانی منسوب بدان ناحیه است. فرزندش ابوزکریا یحیی هم محدث بوده است (انساب ۱/۱۴۷).

۵- اسفیددشت: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوحامد احمد بن موسی اسفیددشتی (م ۲۹۷) منسوب به این قریه بوده است (انساب ۱/۱۴۷).

۶- اسوار: قریه‌ای از قرای اصفهان که عالمان فراوانی به آن منسوبند. از آن جمله: ابوعلى حسین بن علی اسواری، ابوالحسن علی بن محمد اسواری (م ۲۲۸) که از زهاد مشهور بوده و سمعانی (م ۵۶۲) هم در سفر اصفهان خود به زیارت قبر وی رفته است (انساب ۱/۱۵۷).

۷- اندان: یکی از قرای اصفهان که ابوالقاسم الاندانی بدان منسوب بوده است (التحبير ۱/۱۵۲).

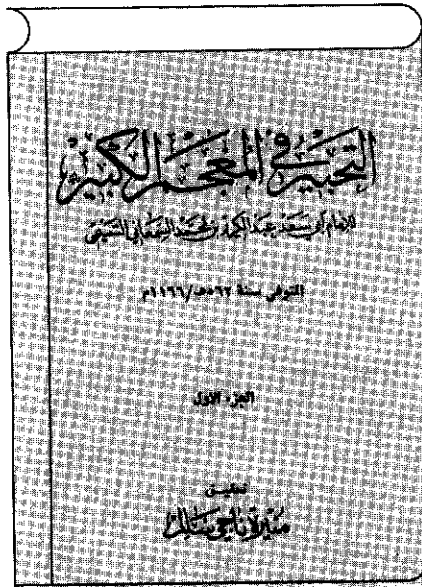
۸- باب القصر: محله‌ای در اصفهان که ابوعلى القصری منسوب بدان محل بوده است (التحبير ۱/۲۴۲).

ابوالقاسم اصفهانی قصری هم منسوب به باب القصر «محله کبیره باصبهان» بوده است (التحبير ۱/۳۸۲).

۹- باب دزیه یا دزیه یا باب دزیمه: یکی از محلات اصفهان که ابواسحاق صالحانی در آنجا درگذشته است. ابوالمعالی اصفهانی هم از همین محله بوده است (التحبير ۱/۶۰۱). و ابن فوطی هم از آن یاد کرده و نوشته است که: «محله باب دزیمه بسکة کوشک باصفهان» (مجمع الاداب، ۴/۴۴۱/۷۴).

۱۰- باب کوشک: ابوالفتوح اصفهانی منسوب به این محله که از محلات اصفهان بشمار می آید بوده است (التحبير ۱/۴۴۰). ابوبکر جوزدانی در باب کوشک سکونت داشته است (التحبير ۲/۳۵۳). افراد منسوب به این محل را «بابکوشکی» می‌گفته‌اند. یکی از عالمان کهن اصفهانی منسوب به این محل، احمد بن ابراهیم بابکوشکی (م ۲۷۸) است (انساب ۱/۲۴۲).

۱۱- باجه: منطقه‌ای که به این نام معروف است، در



اندلس است. اما در اصفهان نیز قریه‌ای با این نام وجود داشته که ابوصالح محمد بن حسن مدینی باجی منسوب به آن قریه بوده است (انساب ۱/۲۴۷).

۱۲- بادران: قریه‌ای از قرای نایین و نایین شهری از نواحی اصفهان است. ابواسحاق ابراهیم بن محمد بادرانی (م ۵۱۶) منسوب به این ناحیه بوده است (انساب ۱/۲۴۹).

۱۳- باطرقان: از قرای اصفهان که ابوبکر احمد بن فضل باطرقانی منسوب به آن ناحیه بوده است (انساب ۱/۱۶۰). شماری دیگر از محدثان و قاریان منسوب به این قریه بوده‌اند. از آن جمله ابوبکر عبدالواحد بن احمد باطرقانی که قاری خوبی بوده که ابن مندیه در تاریخ اصبهان از وی یاد کرده است. وی در فتنه بزرگی که در این شهر به سال ۴۲۱ به دست مسعود غزنوی رخ داد و شمار زیادی از علما و صلحا کشته شدند، به قتل رسید. از دیگر منسوبین به این قریه عبدالواحد باطرقانی امام جامع «جورجیر» بوده است. نیز ابوبکر احمد بن فضل صاحب کتاب طبقات القراء. وی سالها امام جماعت مسجد جامع اصفهان بوده است. و شماری دیگر (انساب ۱/۲۵۹ - ۲۶۰).

۱۴- باغ عبدالله: سمعانی ذیل مدخل «بغدلی» از این محل یاد کرده، نوشته است: این نسبت مربوط به باغ عبدالله، محله‌ای از محلات اصفهان است. ابوعبدالله محمد بن سعید بغدلی منسوب به این محل است (انساب ۱/۳۷۳).

۱۵- باغ عیسی: سمعانی از ابوالحسین قصادر لاذانی (?) یاد کرده که «کان یسکن باغ عیسی» (التحبير ۱/۱۵۲).

۱۶- برآن: منطقه‌ای از مناطق اصفهان در حاشیه زاینده رود. ابوبکر ذاکر بن زید برآنی جاری به آن ناحیه منسوب است (التحبير ۱/۲۷۷). محمد بن ابی یحیی الاسلامی (م ۱۴۶) هم از برآن بوده است (طبقات المحدثین ۱/۳۸۹).

۱۷- برج: قریه‌ای از قرای اصفهان که ابوالقاسم البرجی منسوب به آن ناحیه است (التحبير ۲/۱۰۲). نیز ابوطاهر برجی (التحبير ۲/۲۰۹ - ۲۱۰) و شماری دیگر (انساب ۱/۳۱۱).

۱۸- برخوار: ناحیه‌ای از نواحی اصبهان که قرای فراوانی دارد. از منسوبان به این ناحیه یکی عصام بن یوسف برخواری بلومی است (انساب ۱/۳۱۲). نیز حماد بن سلیمان الفقیه (طبقات المحدثین ۱/۳۲۶) و فرزندش اسماعیل (همان، ۴۵۶).

۱۹- برزبادان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوالعباس فضل بن احمد برزبادانی از اهالی این روستا بوده است (انساب ۱/۳۱۷).

۲۰- بزآن: شاید بزآن فعلی از قرای خیابان جی حالیه باشد. ابوالفضل مطهر البزآنی منسوب به این قریه بوده است (التحبير ۱/۳۹۹). عالمانی با نام ابوالفتوح البزآنی منسوب به این قریه است (التحبير ۲/۴۲۶). ابوالفوج عبدالوهاب بن محمد بزآنی از عالمان منسوب به این قریه بوده است. در شمار عالمان کهن این قریه، می‌توان از ابوالهدیل زفرین هذیل بزآنی (م ۱۵۸) یاد کرد که در بزآن نزد برادرش کوثر بن هذیل وارد شد (انساب



◀ از آنجا که در آن روزگار، عالمان شهرها، شهرت به محل و شهر و منطقه و روستای خود داشته‌اند، جمع‌آوری اطلاعات رجالی، به جمع‌آوری اطلاعات جغرافیایی نیز منجر می‌شده است.

۳۳۸/۱ در طبقات المحدثین (۴۵۱/۱) در همین نقل، بجای بزان، برآن آمده است.

۲۱- بلوم: قریه‌ای از قرای برخوار اصبهان که عصام بن یوسف بلومی منسوب به آن قریه است (انساب ۳۹۵/۱).

۲۲- جار: از روستاهای برآن، ابوبکر جاری منسوب بدانجاست (التحجیر ۲۷۷/۱) اکنون به آن گار می‌گویند که مسجد کهنی نیز از قرن ششم در آن باقی مانده است.

۲۳- جرقویه: یکی از قرای بزرگ اصفهان. ابومحمد الجرقوهی بدان منسوب بوده است (التحجیر ۲۹۳/۱). وی در اصفهان و در محله جی می‌زیست.

۲۴- جرجان: قریه‌ای از قرای اصفهان و با همین نام قریه‌ای در جرجان (انساب ۴۶/۲).

۲۵- جروان - کروآن: گویا از محلات اصفهان - یا از قرای آن - که عجم‌ها در حال حاضر به آن کروآن می‌گویند. سمعانی نوشته است که بارها به این محل رفت و آمد داشته است. از منسوبان به این محله: ابوعلی عبدالرحمان بن محمد جروآنی و ابوبکر محمد بن عمر جروآنی واعظ اصفهانی هستند. وی نام چندین نفر دیگر را نیز برشمرده است (انساب ۴۹/۲ - ۵۰)، نیز ابوالخیر حسنابادی جروآنی منسوب به این محل است (التحجیر ۴۱۵/۱). زمانی که عبداله بن معاویه در سال ۱۲۷ هجری اصفهان را گرفت، میدانی در جروآن به نام وی نامیده شده است (طبقات المحدثین ۳۳۲/۱). نام برخی دیگر از منسوبین به این محل در (طبقات المحدثین ۲۳۰/۲، ۲۳۲) آمده است.

۲۶- جز: نگاه کنید به گز.

۲۷- جُلک: سمعانی این لقب را در تاریخ اصبهان ابن مردویه دیده و می‌نویسد: گمان می‌کنم از قرای اصفهان است. ابوالفضل عباس بن ولید جلکی اصفهانی منسوب بدانجاست (انساب ۷۵/۲).

۲۸- جوباره: محله‌ای از محلات اصفهان. تلخیص جویبار. محله‌ای معروف در اصفهان که برخی از مشایخ ما در آن جا بودند. مانند امام ابومصور محمود بن احمد جویباری (م ۵۲۶). سمعانی شماری دیگر از عالمان قدیم و جدید جوباره را یاد کرده است (انساب ۱۰۷/۲). ابومسعود عبدالجلیل بن محمد... بن شهر مردین مهرقبن کهیار اصفهانی «من اولاد المحدثین» منسوب به این محله بوده است (التحجیر ۴۳۲/۱). نیز ابوالوفاء الجویباری (التحجیر ۴۷۸/۱). محله حران خود قسمتی از محله جوباره بوده است (التحجیر ۴۹۲/۱؛ ۱۶۲/۲).

۲۹- جورجیر: محله‌ای بزرگ از محلات اصفهان که مسجد تاریخی جورجیر در آن قرار دارد. از عالمان کهن محمد بن یوسف بن معدان محدث ساکن جورجیر بوده است (طبقات المحدثین ۲۱/۲). ابوالقاسم طاهر بن محمد جورجیری (م ۴۳۹) و احمد بن محمد جورجیری از منسوبان بدانجا هستند (انساب ۱۱۴/۲). ابو احمد الجورجیری منسوب به این محله می‌باشد (التحجیر ۲۹۰/۱). ابوالفضل الاصفهانی «امام جامع جورجیر» بوده است (التحجیر ۴۱۵/۱).

۳۰- جوزدان - کوزدان: قریه‌ای بزرگ در باب اصفهان «کثیرة الخیر». ابوبکر محمد علی جوزدانی

امام جامع عتیق بزرگ اصفهان منسوب بدانجاست. نیز ابومحمد عبدالله بن محمد جوزدانی شاگرد بغوی. و شماری دیگر (انساب ۱۱۷/۲ - ۱۱۸). ابوحفص الجوزدانی از منسوبین به این قریه بوده است (التحجیر ۵۱۴/۱). نیز ابوبکر جوزدانی (التحجیر ۳۵۳/۲). عالمه‌ای یا نام ام‌البنین الجوزدانی منسوب به همین قریه بوده است (التحجیر ۴۲۸/۲).

۳۱- جی: در آن روزگار، در نگاه سمعانی جی بخشی از شهر اصفهان بوده است. درباره ابوالقاسم کاغذی آمده است: «من اهل مدینه یقال لها جی علی باب اصبهان» (التحجیر ۱۱۱/۱). درباره ابومحمد المدینی آمده است: «من اهل مدینه جی و هی شارستان اصبهان» (التحجیر ۱۷۶/۱) درباره ابوبکر المدینی نوشته است: «من اهل مدینه اصبهان، التي یقال لها جی» (التحجیر ۳۴۲/۱). ابوالفضائل مدینی «من اهل مدینه جی» (التحجیر ۳۰۰/۲). سمعانی ذیل مدخل «مدینی» اشاره کرده که عالمان شهر جی را مدینی می‌گفتند (انساب ۲۳۷/۵). شمار زیادی از عالمان ملقب به مدینی در التحجیر معرفی شده‌اند.

۳۲- جیران: قریه‌ای با فاصله دو فرسنگ از اصفهان. محمد بن ابراهیم جیرانی و ابومحمود بن الجیرانی و ابوالعباس احمد بن محمد جیرانی و شماری دیگر از علمای قدیم و جدید از آنجا هستند (انساب ۱۴۱/۲). ابوالخیر عبدالسلام بن محمود الحسنابادی که سمعانی او را در جیران ملاقات کرده است (انساب ۲۲۰/۲).

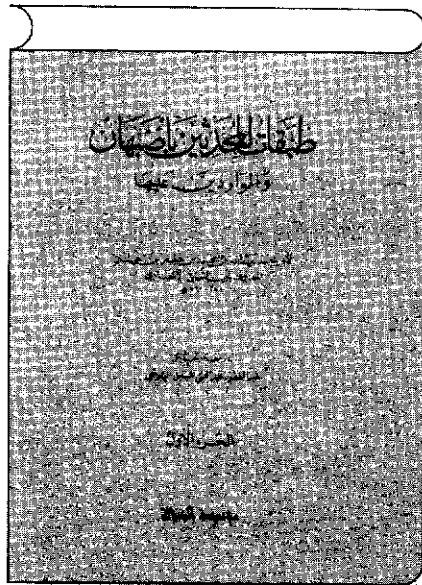
۳۳- حُران: محله‌ای در اصفهان. سمعانی درباره ابوشکر الحرانی نوشته است: همدن ابی الفتح الحرانی الاصفهانی... و حران سکه بها (التحجیر ۲۴۶/۱). در جای دیگری حران، محله‌ای از محلات جوباره یاد شده است (التحجیر ۴۹۲/۱؛ ۱۶۲/۲) و نک: انساب ۱۹۶/۲.

۳۴- حسن‌آباد: یکی از قرای اصفهان که ابوالفتح عبدالرزاق بن عبدالکریم الحسنابادی که از «بیت التصوف والتصوف والحدیث بوده» به آن منسوب بوده است (التحجیر ۹۸/۱؛ انساب ۲۱۹/۲) نیز ابومسلم الحسنابادی (التحجیر ۲۵۹/۱). نیز ام‌سلمة الحسنابادی (۳۹۶/۲). سمعانی در الانساب شمار فراوانی از عالمانی که منسوب به حسن‌آباد بوده‌اند آورده است. از جمله ابوالعلاء سلیمان بن عبدالرحیم حسنابادی (م ۴۶۹) که مذهب اشعری را پذیرفت (انساب ۲۱۹/۲). سمعانی شمار فراوانی عالم بنام از این دیار برشمرده که نشان از اهمیت این قریه در آن روزگار است.

۳۵- خان‌لنجان: شهرکی در اطراف اصفهان که قلعه آن را سلطان محمد سلجوقی در سال ۵۷۰ هـ ویران کرد. ابوبکر محمد بن فضل از اهالی آن ناحیه بوده است (التحجیر ۲۰۸/۲). شاید تلخیص شده آن خونجان باشد که ابوعبدالله الخونجانی منسوب بدان ناحیه است (التحجیر ۲۶۸/۲).

۳۶- خراسکان یا خوراسکان: قریه‌ای از قرای اصفهان که ابوجعفر احمد بن مفضل خراسکانی منسوب بدانجاست (انساب ۳۳۸/۲). مؤلف این سطور هم از همانجاست.

۳۷- خران: محله‌ای بزرگ از محلات اصفهان که من - یعنی سمعانی - بارها از آن گذر کرده‌ام. مردم عامی



◀ در کنار اطلاعات نسبتاً جالبی که الانساب درباره اصفهان دارد، گاه برخی از روستاها و شهرها را در شمار توابع اصفهان آورده که فاصله آن‌ها از اصفهان دور است. دلیل آن می‌تواند اهمیت اصفهان در قرن پنجم و ششم باشد.

آن را خورجان می‌گویند. ابوحامد علی بن احمد منسوب بدانجاست. نیز محمد بن ادریس خرجانی. و شمار فراوانی دیگر. ابوبکر محمد بن ابی نصر شجاع بن محمد لغت‌نویس، شیخ ما، در محله خورجان ساکن است و لذا به او هم خرجانی گویند (انساب ۳۴۱/۲ - ۳۳۲).

۳۸- خُشینیان یا خوشینان: محله‌ای بزرگ و معروف در اصفهان که ابوالقاسم تمیمی از این محل بوده است (التحجیر ۲۱۲/۱). ابویحیی غالب بن فرقد خُشینیان اصفهانی منسوب بدانجاست (انساب ۲۷۴/۲).

۳۹- خوزیان: گفته شده است که به مناسبت سکونت برخی از خوزیان این محله به این نام نامیده شده است. ابواسحاق دواتی از اهل خوز بشمار می‌آیند. (التحجیر ۷۴/۱). نیز ابونصر الخوزی ساکن «سکة الخوزیین» بوده است (التحجیر ۴۵۲/۲). کوی خوزیان (انساب ۴۱۶/۲).

۴۰- خونجان: قریه‌ای از قرای اصفهان. محمد بن نصر خونجانی، جوان فاضل و عارف به لغت، مؤدب کودکان و شاگرد شیخ ما ابوالقاسم اسماعیل بن محمد از آنجاست (انساب ۴۱۸/۲).

۴۱- دارک: گمان می‌کنم قریه‌ای از قرای اصفهان است. ابوالقاسم عبدالعزیز بن حسن اصفهانی دارکی از فقهای بزرگ شافعی مذهب از آنجاست (انساب ۴۳۹/۲).

۴۲- درب بادیاب: سمعانی درباره ابوبکر محمد بن عمر جروانی واعظ اصفهانی نوشته است که سنی استواری بود و ولی‌ای از اولیاءالله که قبرش پشت باب درب بادیاب است (انساب ۴۹۷/۲).

۴۳- در دشت یا باب‌الدشت: محله‌ای از محلات اصفهان. ابومسلم عبدالرحمان بن محمد دشتی (م ۲۳۶) منسوب به در دشت اصفهان است. نیز ابوعبدالله محمد بن یعقوب بن مهران دشتی هم از باب‌الدشت است (انساب ۴۸۰/۲).

۴۴- دشتی: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوبکر محمد بن حسین دشتی (م ۴۱۰) منسوب بدانجاست. نیز ابوالوفاء عبداللبن محمد... بن منده دشتی که سمعانی در «دکان المرجی الحسین بن محمد» از وی حدیث شنیده است (انساب ۴۷۹/۲). گفتنی است که مسجد کهنی از دوره سلجوقی در قریه دشتی تاکنون برجای مانده است.

۴۵- دلیمان یا دلیکان: شهری در نواحی اصفهان. ابوالعباس احمد بن حسن دلیجانی منسوب بدانجاست. ابوالبدر دختر ابوالعباس دلیجانی هم محدثه بوده اما سمعانی وی را درک نکرده است (انساب ۴۹۰/۲). ابوعبدالله فضل بن اسماعیل دلیجانی بدانجا منسوب شده است (التحجیر ۱۹۷/۲).

۴۶- دولکاباد: سمعانی از ابوالحسن علی بن عبدالرحمان سمجانی یاد کرده که در اصفهان سکونت گزید و در سال ۵۰۲ هـ درگذشت و قبرش در دولکاباد است (انساب ۳۰۷/۳).

۴۷- دهیجه: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوصالح محمد بن حامد دهیجی «من اهل قریه دهیجه، قریه بیاب المدینة» منسوب بدانجاست (انساب ۵۱۵/۲). شاید دهق فعلی باشد.

۴۸- راران: از قرای اصفهان که ابوطاهر روح بن محمد رارانی (م ۴۹۱) بدانجا منسوب است (انساب ۲۲/۳). نیز نواده او ابوالرجاء رارانی (م ۵۳۲) (التحجیر ۱۲۲/۱) که رئیس صوفیان بوده است. نیز ابوالحسن احمد بن محمد رارانی فقیه و واعظ پدر ابوالخیر محمد امام مسجد جامع اصفهان. (انساب ۲۲/۳). از عالمان کهن منسوب به راران ابوعمر و خالد بن محمود رارانی مقیم خان‌لجان است (همانجا).

۴۹- رنان: یکی از قرای اصفهان که ابونصر الرنانی صوفی (م ۵۳۱) منسوب به آن ناحیه بوده است (التحجیر ۱۰۹/۱). همچنین ابوبکر جابر بن محمد رنانی (التحجیر ۱۵۲/۱). و نیز ابوهفص عمر بن محمد رنانی (التحجیر ۵۲۹/۱). نیز ابوعبدالله رنانی (التحجیر ۴۹/۲). ابوالعباس احمد بن محمد قاری خوب قرآن بوده که بسیاری از مردم قرآن را بر وی ختم کرده‌اند. وی همشاگردی سمعانی بوده و در سال ۵۲۵ هـ در حله عراق درگذشته است (انساب ۹۴/۳).

۵۰- روددشت یا روی دشت: سمعانی احتمال می‌دهد که این دو، نام یک قریه است. به هر روی روددشت قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوعبدالله محمد بن احمد روددشتی که از این قریه بوده که به بغداد رفته و قاضی دجیل شده است. ابونصر حسین بن محمد روی دشتی (م ۴۴۸) از این قریه بوده که سخت طالب حدیث بوده و بعد به تصوف گرویده است. نیز ابوحذیفه بشر بن ابی موسی روی دشتی (انساب ۱۰۷/۳). ابوبکر روی دشتی منسوب به این ناحیه از قرای اصفهان بوده است (التحجیر ۶۰۹/۱).

۵۱- سروشان: از قرای اصفهان. ابوبکر السروشانی منسوب به این قریه بوده است (التحجیر ۵۱۴/۱).

۵۲- سربجان یا سرنجان: قریه‌ای از قرای اصفهان که ابوطاهر عمر بن ابراهیم سرنجانی - یا سربجانی - بدانجا منسوب است (التحجیر ۱۸/۲) که به عراق رفت. نیز ابونصر زفر بن حمزه سرنجانی (انساب ۲۵۱/۳). نیز ابوالعالی سربجانی (التحجیر ۳۶/۲).

۵۳- سُنبلان: از محلات بزرگ اصفهان. یکی از تابعین با نام داود بن سلیمان سنبلانی امام علی بن ابی طالب (ع) را دیده است. دلیل السنبلانی هم سعید بن جبیر را ملاقات کرده است. ابوعلی محمد بن سلیمان سنبلانی (م ۱۸۱ هـ) هم در کوفه سکونت گزیده است. فرزند برادر او محمد بن سعید سنبلانی معروف به حمدان هم در کوفه سکونت داشته است. وی می‌گفت: ما اهل سنبلان هستیم و مسجد ما مسجد التبانین (کذا) است و پدرم از آنجا اسیر شده است (انساب ۳۱۲/۳). عبارت ابوالشیخ چنین است: «نحن من اهل سنبلان و مسجد البنانین مسجدنا و امی سبی منها طبقات المحدثین» (۳۶۵/۱). نیز ابوبکر رویدشتی سنبلانی، منسوب به آن محل بوده است (التحجیر ۶۰۹/۱). سعید بن جبیر در زمانی که در اصفهان بوده، در محله سنبلان بوده است (طبقات المحدثین، ۳۱۵/۱).

۵۴- سوزجان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوسعید محمد بن عبدالله سوزجانی (۳۹۶-۴۹۴ هـ) منسوب بدانجا بوده است (انساب ۳۲۲/۳). نیز عالمه‌ای با نام ام‌التجیم السوزجانی منسوب به این قریه بوده است

(التحجیر ۴۲۷/۲).

۵۵- شارسنان: بنگرید به مدخل جی.

۵۶- شکر: محله‌ای با عنوان «سکة شکر» در اصفهان. ابونصر شکر منسوب به این محل بوده است (التحجیر ۲۲۷/۲).

۵۷- شَمیکان: محله‌ای از محلات اصفهان. جعفر بن ناجیة الشمیکانی که تابعان را درک کرده منسوب به این دیار بوده است (طبقات المحدثین ۳۸۷/۱). قدامه بن میمون شمیکانی هم در این محل سکونت داشته است. نیز محمد بن احمد شمیکانی و هذیل بن فروخ شمیکانی که از سفیان الثوری سؤالی درباره غنا کرده است (انساب ۴۵۸/۳). نیز ابوالقاسم احمد بن محمد ارزانی معلم ساکن شمیکان بوده است (انساب ۱۱۰/۱).

۵۸- صالحان: این محل، یکی از محلات مهم اصفهان در قرن چهارم و پنجم بوده و شمار زیادی از عالمان اصفهانی، منسوب به این محل بوده‌اند. ابواسحاق صالحانی منسوب بدانجا بوده است (التحجیر ۷۲/۱). در همانجا آمده که صالحان «یکی از محال اصفهان است». (برای نمونه‌های دیگر نک: التحجیر ۲۳۲/۱، ۳۰۴، ۳۵۰، ۵۰/۲، ۱۸۶). سمعانی به خاطر دیدار ابوبکر محمد بن علی صالحانی از نیشابور به اصفهان آمده است؛ اما وقتی به کاشان رسیده خبر درگذشت او را شنید. وی سه تن از مشایخ صالحانی خود را یاد کرده است (انساب ۵۱۰/۳).

۵۹- طراز: محله‌ای در اصفهان. ابوطاهر محمد بن ابی نصر طرازی منسوب بدان ناحیه است (التحجیر ۵۲/۲؛ ۵۶/۴).

۶۰- طَرَق: یکی از قرای بزرگ اصفهان به مانند شهرک در بیست فرسنگی آن شهر. ابوالوفاء طرقی منسوب به این ناحیه بوده است (التحجیر ۹۷/۱) از دیگر عالمان منسوب به این قریه ابوالعباس احمد بن ثابت (م بعد از ۵۲۰ هـ) است (انساب ۶۳/۴).

۶۱- طهران: از قرای اصفهان. سمعانی نوشته است: قریه کبیره علی باب اصبهان. البته قریه‌ای با این نام برای ری هم وجود دارد (انساب ۸۵/۴). ابوالبراهیم طهرانی با تعبیر «من اهل طهران احدی قری اصفهان» وصف شده است (التحجیر ۳۶۱/۱). نیز ابوجعفر طهرانی (۸۷/۲). نیز ام‌البهاء الطهرانی (التحجیر ۴۰۴/۲). از عالمان کهن این شهر ابوصالح عقیل بن یحیی طهرانی (م ۲۵۸) است. و شماری عالم دیگر (انساب ۸۵/۴ - ۸۶). سمعانی همانجا نوشته است که طهران ری، از طهران اصفهان معروف تر است.

۶۲- طاق: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابومحمد عبدالله بن علی طاقی مؤدب به این قریه منسوب است (انساب ۲۷/۴).

۶۳- طامدی: سمعانی نوشته است: گمان می‌کنم یکی از قرای اصفهان است. ابوالفضل عباس بن اسماعیل اصفهانی طامدی (م بعد از ۲۶۰) که از عباد و زهاد بوده منسوب به این شهر است (انساب ۳۱/۴).

۶۴- فابزان: قریه‌ای از قرای اصفهان که ابوجعفر احمد بن سلیمان فابزانی منسوب به آن ناحیه است. خاندان وی، از پدر و فرزندان، همه عالم و محدث بوده‌اند. عالم دیگر این شهر یزید بن هزار فابزانی بوده که

از سعید بن جبیر سماع حدیث کرده است (انساب ۳۲۸/۴).

۶۵- فانجان: قریه‌ای از قرای اصفهان که ابوبکر محمد بن ابراهیم فانجانی که در بغداد سکونت کرد، بدانجا منسوب است (انساب ۳۳۰/۴).

۶۶- فارقان: ابومنصور شاپور بن محمد فارقانی اصفهانی به آن منسوب است (التحجیر ۳۳۴/۱) و قاضی همانجا (انساب ۳۳۴/۴).

۶۷- فرودان: قریه‌ای از قرای اصفهان که ابوالخیر جیرانی بدان قریه منسوب است (التحجیر ۲۷۹/۲).

۶۸- فرزان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابومحمد بذال بن سعد فرسانی اصفهانی منسوب به آنجا است (انساب ۳۶۴/۴). ابوالعباس احمد بن محمد جیرانی و ابوبکر عمر بن عبدالله الجیرانی در فرسان منزل داشته‌اند (انساب ۱۴۱/۲).

۶۹- فری: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابونجم بدر بن خلف فرکی حاجی اصفهانی (۴۱۹-۵۰۲) منسوب به آنجا است (انساب ۳۷۰/۴).

۷۰- فرودان: قریه‌ای از قرای اصفهان که سمعی در آنجا از ابومحمد بن الجیرانی حدیث شنیده است (انساب ۱۴۱/۲).

۷۱- ففلان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابن مردویه گفته است: «قریه علی باب اصفهان». ابویعقوب اسحاق بن اسماعیل فلطانی «شیخ قدیم من اهل اصفهان» منسوب به این قریه است (انساب ۳۹۸/۴).

۷۲- فودان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوعبدالله محمد بن احمد فودانی منسوب به این قریه است (انساب ۴۰۵/۴).

۷۳- قنادر: محله‌ای از محلات اصفهان. ابوالحسن محمد بن علی قنادری از منسوبین به این محله است (انساب ۵۴۶/۴).

۷۴- کران: از محلات اصفهان که ابومحمد الکرانی بدان منسوب است (التحجیر ۲۰۸/۱) ابوعبدالله جلی کرانی هم منسوب به آن ناحیه است (التحجیر ۲۴۹/۲).

۷۵- کندایج: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابن مردویه گفته است: ابوالعباس احمد بن عبدالله کندایجی مدینی یکی از فقها از اهالی شهر اصفهان است (انساب ۱۰۱/۵).

۷۶- کندلان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوطالب احمد بن محمد قرشی کندلانی (م ۴۹۳) منسوب بدانجا است (انساب ۱۰۳/۵).

۷۷- کنکاش: سمعی از ابوبکر الکنکاشی اصفهانی یاد کرده (التحجیر ۲۷۶/۱). اما نه در التحجیر و نه در الانساب از آن یاد نکرده است. شاید کنگازی منسوب به محله کنگاز در خیابان جی حالیه باشد.

۷۸- کوه‌اسبان: سمعی از ابوالخیر القصری - احتمالاً منسوب به باب القصر اصفهان - یاد کرده و افزوده است: «کتبت عنه بقریه کوه‌اسبان احدی قری اصفهان» (التحجیر ۳۰۵/۱).

۷۹- گار یا جار: قریه‌ای از قرای اصفهان که سمعی یک شب آنجا به سر برده است. ابوالطیب عبدالجبار بن فضل کاری منسوب بدانجا است (انساب ۱۳/۵).

۸۰- گز: قریه‌ای از قرای اصفهان. سمعی از ابوحاتم محمد بن ادريس نقل کرده که می‌گفت: نحن من اهل اصفهان من قریه جز. وی می‌افزاید: ابوحاتم امام حافظ فیهیم بود و از مشاهیر علما که در جستجوی حدیث به شام و مصر و عراق سفر کرده بود. ابوبکر مدینی در سال ۵۳۱ هـ در این قریه درگذشته است (التحجیر ۲۲۹/۲).

۸۱- لاذن: سمعی نوشته است که ابومقیم العبدی که از اهالی اصفهان بوده، منصب خطابه را در قریه لاذن عهده‌دار شده است (التحجیر ۴۸۵/۱). سمعی در «لاذان» از ابوعبدالله مقرئ حدیث شنیده است (التحجیر ۲۱۹/۲).

۸۲- لردجان: ابوعبدالله لوردجانی از آن ناحیه دانسته شده و افزوده شده که از مناطق وابسته به اهواز است.

۸۳- لفتوان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوعبدالله الفتوانی (متولد ۴۸۰ هـ) (۷۳/۱). نیز ابوالوفاء اللفتوانی (التحجیر ۲۵۲/۱). نیز ابونصر شجاع بن ابی بکر الفتوانی «من اولاد المحدثین والحفاظ» (التحجیر ۵۳۱/۱). و نیز فرزندش ابوبکر محمد بن شجاع لفتوانی (التحجیر ۱۳۴/۲) که شیخ سمعی بوده است (انساب ۱۳۸/۵).

۸۴- لنبان: از محلات بزرگ معروف اصفهان. «ولها باب يعرف بهذه المحلة يقال لها باب لنبان». ابوالقاسم الاندائی در آن سکونت داشته است (التحجیر ۱۵۲/۱). ابوالروح لبنانی منسوب به این محل بوده است (التحجیر ۲۳۷/۲). نیز ام‌الفتوح الثبانیة (التحجیر ۴۰۷/۲) و شماری دیگر (انساب ۱۴۲/۵).

۸۵- لویبابادی: محله‌ای در اصفهان یا قریه‌ای از قرای اصفهان. گمان آن است که محل است. ابوالفضل محمد بن ابی بکر احمد لویبابادی منسوب بدانجا است. (انساب ۱۴۲/۵).

۸۶- ماربانان: قریه‌ای از قرای اصفهان. در نیم فرسنگی شهر که ابوالمظفر شیبین محمد ماربانانی به آن منسوب است (التحجیر ۳۳۳/۱). جای هم به عنوان «ماربین» یاد شده که عالم مشهور لیث بن سعد از آنجا بوده است (طبقات المحدثین ۴۰۵/۱).

۸۷- مشتلت: قریه‌ای از قرای اصفهان. عامر بن حمدویه زاهد مشتلی منسوب بدانجا است وی از سفیان الثوری و شعبه بن حجاج روایت می‌کند (انساب ۳۰۲/۵).

۸۸- مقبرة سنبلان: ابوالمرجی اصفهانی در مقبرة سنبلان دفن شده است (التحجیر ۹/۲).

۸۹- منجان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابواسحاق ابراهیم بن ابیحة منجانی منسوب به این قریه است (انساب ۳۹۰/۵).

۹۰- مهربانان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابومحمد عبدالرحیم بن عباس مهربانانی از موالی منصور عباسی از این قریه بوده است. نیز ابوبکر محمد بن فرخان مهربانانی محدث (انساب ۴۱۳/۵). شاید همان ماربانان باشد که مهربین هم به آن گفته می‌شده است.

۹۱- میدان: محله‌ای از محلات اصفهان. شیخ ما ابوسعید احمد بن محمد در مسجدش در میدان تدریس می‌کرد (انساب ۴۲۹/۵ - ۴۳۰).

۹۲- نایین: قریه‌ای از نواحی اصفهان. ابوالوفاء النایینی قاضی آن قریه بوده است (التحجیر ۲۰۴/۲) نک:

انساب ۴۵۰/۵.

۹۳- نخان: قریه از قرای شهر اصفهان که به آن جی گفته می‌شود. ابوجعفر زید بن بندار نخانی که خود، فرزند و همسرش چهل سال روزه گرفتند، از آنجا است (انساب ۴۷۲/۵).

۹۴- واداری: قریه از قرای اصفهان. ابوالعلاء محسن بن ابراهیم واداری و ابوعلی احمد بن مصقله واداری (م ۳۰۸) منسوب بدانجا هستند (انساب ۵۵۸/۵).

۹۵- واذنان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوجعفر احمد بن مالک بن... احق بن قیس واذنی از آنجا است (انساب ۵۵۹/۵).

۹۶- وذلان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوجعفر محمد بن عمر وذلانی اصفهانی (م ۵۰۹) از آنجا است (انساب ۵۸۳/۵).

۹۷- ورکان: محله‌ای معروف در اصفهان که بازاری هم آنجا هست. عایشه دختر حسن بن ابراهیم وردگانی، زنی عالمه، واعظه، حسنة السيرة (م ۴۶۰ هـ) از آنجا است. ورکان دیگری هم از قرای کاشان است (انساب ۵۹۲/۵) نیز نک: التحجیر ۲۰۵/۱؛ ۳۰۳/۲.

۹۸- ویداباد: از محلات بزرگ در مدخل اصفهان که ابومحمد ویدابادی به آن محل منسوب بوده است (التحجیر ۱۵۳/۱). ابومحمد ویدابادی نیز منسوب به این قریه بوده است (التحجیر ۲۴۰/۲). نیز ابوالعباس ویدابادی (التحجیر ۴۵۲/۲). ابوعبدالله احمد بن محمد بن... ماجه ویدابادی (م ۴۲۲) از آنجا است (انساب ۶۲۲/۵).

۹۹- ولاد: گمان می‌کنم از قرای اصفهان که به آن جی گفته می‌شود باشد. ابوالعباس احمد بن مسلم ولادی - شاگرد طبری مورخ - از آنجا است (انساب ۶۲۱/۵).

۱۰۰- ویر: قریه‌ای از قرای اصفهان در پانزده فرسنگی آن. شیخ ما ابوالفتح ناصر بن محمد ویری (م ۵۹۴) از آنجا است (انساب ۶۲۲/۵).

۱۰۱- هيسان: قریه‌ای از قرای اصفهان. ابوعلی حسن بن محمد هيسانی و نواده‌اش ابوعمر محمد بن احمد (م ۳۵۸) و راوی کتاب واقدی، از آنجا است (انساب ۶۶۱/۵).

۱۰۲- یسزخواست: عالمه‌ای با نام ام‌الرجاء الاصفهانیة دختر محمد بن احمد الیسزخواستی منسوب به این قریه است (التحجیر ۴۱۰/۲).

۱۰۳- یمابوت یا یمافوت: یکی از محلات بزرگ اصفهان که بازار بزرگی هم در آنجا هست. ابواسحاق ابراهیم بن اسحاق یمابرتی منسوب بدانجا است. ابوالعباس خلیل بن محمد یمابرتی در آنجا ساکن است (انساب ۷۰۴/۵).

۱۰۴- یونارت: قریه‌ای در مدخل ورودی اصفهان. ابونصر یونارتی منسوب به آن ناحیه بوده است (التحجیر ۲۰۴/۲) □

همکاران محترم  
جناب آقای جلوه‌نژاد و سرکارخانم غلامی  
با نهایت تأسف و تأثر، مصیبت وارده را  
تسلیم عرض نموده، برای آن مرحوم از درگاه  
احدیت آمزش و برای بازماندگان سلامتی و صبر  
جمیل مسئلت می‌نمائیم.  
کتاب ماه تاریخ و جغرافیا